

فلسفه زبان شناسی

Philosophy of linguistics

زبان شناسی چیست؟

زبان‌شناسی علمی است که به مطالعه و بررسی روشمند زبان می‌پردازد. در زبان‌شناسی، ابعاد مختلف زبان در قالب حوزه‌های صرف، نحو، آواشناسی، واج‌شناسی، معناشناسی، کاربردشناسی، تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی، رده‌شناسی و نیز حوزه‌های بین رشته‌ای مانند جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان، زبان‌شناسی قضایی، زبان‌شناسی بالینی و زبان و منطق بررسی می‌شوند. از آنجا که زبان یک پدیده پیچیده‌ی انسانی و اجتماعی‌ست، برای مطالعه‌ی جامع و دقیق آن، بهره‌گیری از علوم مرتبط دیگر الزامی به نظر می‌رسد. در واقع، مطالعه‌ی فراگیر زبان، رویکردی چندبعدی را می‌طلبد. بنابراین، زبان‌شناسی علاوه بر مطالعه جنبه‌های توصیفی و نظری زبان به ابعاد کاربردی‌شناختی، روان‌شناختی، مردم‌شناختی، اجتماعی، هنری، ادبی، فلسفی و نشانه‌شناختی زبان توجه می‌کند. نکته دیگر آنکه کار زبان‌شناس همچون سایر کسانی که با علم سروکار دارند، تجویز نیست، بلکه توصیف است.

فلسفه زبان شناسی چیست؟

فلسفه زبان شناسی، فلسفه‌ای علمی است که تکیه‌ی آن بر زبان شناسی می‌باشد. این عنوان با فلسفه‌ی زبان متفاوت است و با موضوعات معنا (meaning) و مرجع (reference) سروکار دارد. هنگامی که به مطالعه یک زبان می‌پردازیم، زبان شناسی در پی توضیحات نظام مند از صرف و نحو (syntax)، معناشناسی (semantics) و کاربردشناسی (pragmatics) آن است.

صرف و نحو (syntax): مطالعه‌ی صرف و نحو با نوام چامسکی (Noam Chomsky)، فردی که در عکس العمل به جنبش‌های رفتارگران اولیه که یادگیری زبان را نوعی تقلید رفتاری می‌داند و ساختارگرایان در زبان شناسی، رویکرد شناختی را برگزید، راه تازه‌ای را شناخت. چامسکی بر این اعتقاد بود که ظرفیت‌های زبان شناختی انسان، موضوعی است که به قوه‌ی شناختی اختصاص دارد. او معتقد بود اصول و خصوصیات زبان در انسان ذاتی است و به عبارت دیگر، نحوه یادگیری زبان به صورت ارثی و ژنتیکی در مغز برنامه‌ریزی شده است و محیط پیرامون کودک تنها نقش محرک را برای یادگیری زبان مادری ایفا می‌کند. کودک مجموعه محدودی از اطلاعات را از محیط زبانی خویش می‌گیرد و خود قادر است ترکیبات جدیدی بسازد. نظریه پردازان پیش‌تر معتقد بودند زبان مادری تنها از راه شنیدن گفتار اطرافیان و به صورت اکتسابی وارد ذهن کودک می‌شود. در واقع، چامسکی، حداقل مطالعه‌ی صرف و نحو و بخش بسیاری از معناشناسی را به عنوان تلاش‌هایی می‌داند که در پی معلوم ساختن ساختار شناختی می‌باشد.

معنا شناسی (semantics): در حالی که فیلسوفان معاصر تمایل دارند از توقف در صرف و نحو دور شوند، بحث کردن در حیطه‌ی دیگر به معنی شناسی منجر می‌شود. در اینجا بسیاری از گام‌های بزرگ توسط فیلسوفان برداشته شده است، فیلسوفانی نظیر: فرگه، راسل، ویتگنشتاین، کارنپ، ریچارد مونتز، و کریپکی.

در قرن گذشته مسیر بزرگی در معنی‌شناسی، در پیشرفت و دقت استعمال صوری (formal)، مدل‌های ریاضی وار برای توصیف کردن فرم زبان و معنی را شامل می‌شود.

کاربردشناسی (pragmatics): کاربردشناسی دست کم به همان میزان معناشناسی، از اندیشه‌های فلاسفه منفعت برده است. منشاء توجه فلسفی در کاربردشناسی از قبل در معناشناسی وجود داشته است – در یک میلی به دانستن اینکه چگونه معنی و حقیقت در کاربرد به هم اجین شده‌ی ارتباطات زبانی جا می‌گیرند.

سه رویکرد نظریه پردازی زبانی: 1. ظاهرگروی (Externalism) 2. برآینده‌گروی (Emergentism) 3. ذات‌گروی (Essentialism) می‌باشد.

1. ظاهرگروی (Externalism)

اگر فردی ظاهرگرا باشد فرض می‌کند که هدف اصلی یک نظریه زبانی گسترش مدل‌های صحیح ویژگی‌های ساختاری اصوات سخن، واژگان، جملات و دیگر آیتم‌های زبانی است، سپس به طور واضح اطلاعاتی که شامل ظواهر می‌شوند را امتیازی مخصوص می‌بخشد (شامل نوشته‌ها و گفتارها) و آنها را متمایز می‌کند. از بزرگان این نحله لئونارد بلومفیلد (Leonard Bloomfield) است.

2. برآینده‌گروی (Emergentism)

هدف این نحله توضیح قابلیت زبان، در ظرفیت‌های عبارات غیرزبانی انسان است. یعنی اثراتی که از زبان ناشی می‌شود. شامل: تفکر کردن، ارتباط برقرار کردن، و تعامل کردن. پدر این نحله سپییر (Sapir) می‌باشد.

3. ذات‌گروی (Essentialism)

یک محقق با گرایش ذات‌گروی تمایل دارد به اهدافی که ویژگی‌های ذاتی زبان را مشخص می‌کند دست یابد. ویژگی‌هایی که آن زبان را آنچه که هست، می‌سازد. زیرا اکثریت معتقدین این رویکرد – محققانی در سنت دستور زایشی (Generative grammar) هم فکر با چامسکی – بر این باورند که این رویکرد اصل موضوع کلیات ساختار زبان انسان قرار می‌گیرد، ساختاری که آموزش داده نشده اما به طور درونی دانسته شده است، کودکان آن را می‌دانند و به وسیله‌ی آن است که زبان را آموزش می‌بینند. این ذات‌گروی زایشی دارای یک برتری است زیرا خصیصه‌های حیرت‌آور زبان را که نمی‌توان از طریق داده‌های مورد استفاده استنتاج کرد را می‌یابد و وابسته بر شناخت انسان یا نیازمند ارتباطات نیست.

بدین ترتیب باید ویژگی‌های آموزش داده نشده وجود داشته باشد که تمامی زبان‌ها آن را دارا است. بسیاری از معاصران ذات‌گرا از نظر چامسکی تبعیت می‌کنند و در ادعای این موضوع که معناشناسی و کاربردگرایی بخش اصلی آموزش زبان نیست متفق‌القولند. از بزرگان این نحله نوام چامسکی است.

منابع

1. Stanford encyclopedia of philosophy
2. The Cambridge dictionary of philosophy
3. The shorter Routledge encyclopedia of philosophy
4. Wikipedia.com